

آثار اجتماعی سدهای بزرگ، موافقان و منتقدان سدسازی

با بررسی سه سد بزرگ خوزستان

علی میرزائی^۱

حسین میرزائی^۲

کاوس حیدری^۳

چکیده

سدها ابزار مهم تأمین آب و انرژی و محل سرمایه‌گذاری‌های بلند و راهبردی با توانایی تأمین منافع چند منظوره‌اند. برخی از این منافع را می‌توان در همه طرح‌های زیربنایی عمومی مشاهده کرد، حال آنکه برخی دیگر را فقط می‌توان در سدها و طرح‌های ویژه ملاحظه کرد. غالباً تولید انرژی برقایی، تنظیم آب رودخانه‌ها و کنترل طغیان و سیلاب‌های مخرب، توسعه منطقه‌ای، ایجاد اشتغال و تولید صنعتی، اهداف و مزایای ساخت سدها محسوب می‌شوند. سدها علاوه بر آثار طبیعی، زیست‌محیطی و اقتصادی آثار فراوان اجتماعی نیز دارند؛ چنانکه کمیسیون جهانی سدها هدف نهایی هر طرح سدسازی را بهبود پایدار رفاه انسان می‌داند.

آثار اجتماعی سدهای بزرگ شامل آثاری بر معیشت، سلامت، نظام‌های اجتماعی و فرهنگ‌هاست. سدها یکی از مجموعه طرح‌های زیربنایی‌اند که برای توسعه اقتصادی منطقه، کشور یا حوضه آبریز ساخته می‌شوند. سودهای مستقیم سدها معمولاً با ارقام پولی و در تحلیل‌های اقتصادی نشان داده می‌شود و در نظر گرفتن منافع طرح‌ها با ارقام پولی سبب می‌شود که فایده‌های اجتماعی کلی مرتبط با طرح‌ها، مانند تأمین آب، برق و مهار سیل و سایر بهره‌ها و فایده‌های غیرمستقیم اقتصادی یا تأثیر ضریب‌های افزایشی آنها در نظر گرفته نشوند. با این حال، سدها بر بسیاری از مردم و جوامع تأثیراتی منفی نیز بر جای می‌گذارند. در سطح جهانی، شدت، گستره و پیچیدگی این آثار اجتماعی منفی برای مردم جابه‌جاشده و مردمی که به اکوسیستم‌های رودخانه‌ای، چه در بالادست و چه در پایین‌دست سد، وابسته‌اند بسیار مهم است. برای هرگونه ارزیابی و امکان‌سنجی منطقی ساخت هر سد، این مباحث باید کاملاً بررسی شوند. آثار اجتماعی و زیست‌محیطی سدها را نیز می‌توان مانند آثار اقتصادی آن، برحسب منافع و زیان‌های وارده به گروه‌های اجتماعی در شرایط حال و آینده، دسته‌بندی کرد. بروز مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از ساخت سدهای بزرگ در دنیا تا بدان حد بوده است که عده‌ای از متخصصان و سازمان‌های جهانی را در زمینه مفید بودن ساخت سدها به تردید بیفکند.

در این مقاله، دلایل موافقان و منتقدان سدسازی را از منظر بررسی آثار اجتماعی سدسازی بر مردم منطقه (با بررسی سه سد بزرگ احداث‌شده در استان خوزستان) برشمرده، راهکارهای عملی حاصل از اجرای طرح‌های ارزیابی اجتماعی این سدها را پیش می‌نهیم. به این ترتیب، امکان مقایسه عملی دلایل موافقان و مخالفان در زمینه اجتماعی ایران فراهم می‌شود.

واژگان اصلی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی، سدسازی، منافع اجتماعی، توسعه

^۱ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات توسعه جهاددانشگاهی تهران mirzaee110@yahoo.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو شورای علمی گروه جامعه‌شناسی جهاددانشگاهی تهران hmiraee@ut.ac.ir

^۳ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات توسعه جهاددانشگاهی تهران kavous.h@gmail.com

احداث سد از مهمترین پروژه های توسعه ای و عمرانی است و اغلب کشورهای جهان به آن مبادرت ورزیده یا در حال انجام آن هستند. ضرورت این مهم در کشورهایی که با مشکل منابع آب و استهلاک زیاد آن مواجه هستند، مضاعف می گردد. شرایط توپوگرافیک ایران و قرار گرفتن آن در کمربند خشک و نیمه خشک جهان و قلیل بودن نزولات جوی (متوسط ۲۵۰ میلی متر) که یک سوم متوسط جهانی است (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۱، الف)، ضرورت احداث سد و توجه به آن در برنامه های توسعه ای ایران را حائز اهمیت بسیار می نماید.

اهداف ساخت سدها عموماً عبارتند از: تولید انرژی برق آبی، کنترل سیلابها، تنظیم آب کشاورزی و ایجاد جاذبه های گردشگری مقوله احداث سد را به طور عمده می توان از دو منظر مد نظر قرار داد:

۱- بعد سخت افزاری که به ساخت سد و کارگاه اصلی آن معطوف است.

۲- بعد نرم افزاری آن که به تبعات اجتماعی - اقتصادی، طبیعی و زیست محیطی ناشی از احداث سد معطوف بوده و به شناخت ویژگی های فرهنگی - اجتماعی و محیطی ساکنین منطقه و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از ساخت سد می پردازد.

بروز مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از ساخت سدهای بزرگ در دنیا تا بدان حد بوده است که عده ای از متخصصان و سازمان های جهانی را در زمینه مفید بودن ساخت سدها به تردید بیفکند. (کمیسیون جهانی سدها، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

در این مقاله، دلایل موافقان و منتقدان سدسازی را از منظر بررسی آثار اجتماعی سدسازی بر مردم منطقه (با بررسی نتایج مطالعات چندین سد بزرگ دنیا و سه سد بزرگ احداث شده در استان خوزستان) برشمرده، راهکارهای عملی حاصل از اجرای طرح های ارزیابی اجتماعی این سدها را پیشرو می نهیم. به این ترتیب، امکان مقایسه عملی دلایل موافقان و مخالفان در زمینه اجتماعی ایران فراهم می شود.

طرح مسئله

اجرای پروژه های ساخت سدهای بزرگ به عنوان یکی از طرح های عمرانی کشور، مانند دیگر برنامه ها و فرایندهای توسعه ای بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت کشور را در سطوح ملی، منطقه ای و محلی تحت تاثیر پیامدهای مثبت و منفی خود قرار می دهد. پیامدهای مثبتی چون ایجاد اشتغال، فراهم سازی زمینه بروز استعداد های علمی و فن آوران، تقویت فن آوری ملی، تقویت خودتکایی و بالندگی ملی، تغییر و تحول در بخش انرژی، مهار سیلاب و طغیان رودخانه، توسعه گردشگری و دیگر نتایجی که در جای خود باید به تفصیل به آنها پرداخته شود. بخش دیگری از معادله پیامدهای چنین پروژه هایی معطوف به پیامدهای منفی آن است که از آنها تحت عنوان آسیب های حاصل شده، یا هزینه های توسعه و تحولات اقتصادی - اجتماعی یاد می شود.

آثار اجتماعی سدها را نیز می توان مانند آثار اقتصادی آن، برحسب منافع و زیان های وارده به گروه های اجتماعی در شرایط حال و آینده، دسته بندی کرد. آگاهی دقیق از میزان تغییرات و تحولات ناشی از ساخت سدها در مناطق پیرامونی آنها، در زمان اجرای عملیات و نیز پس از خاتمه و آبدگیری دریاچه سد و طراحی پروژه های جنبی و مکمل جهت اسکان، اشتغال زایی، و رونق مجدد زندگی و معیشت ساکنان منطقه از وظایف اصلی دولت و سازمان های متولی به شمار می رود. در واقع چنین مطالعاتی در زمینه پروژه های عمرانی می تواند به تعامل بهتر و همکاری ساکنان منطقه و تسهیل در اجرای مراحل مختلف پروژه مدد رساند. ضمن اینکه عدم آگاهی

از ابعاد تحولات و مشکلات پیش آمده برای ساکنان منطقه امکان ارائه طرح‌های مکمل برای تجدید حیات اقتصادی مهاجران را از بین خواهد برد. از این رو مطالعه تمامی ابعاد انسانی طرح‌های سدسازی یکی از ضروری‌ترین بخش‌های این برنامه محسوب می‌شود.

مدعای ما در این مقاله این است:

به نظر می‌رسد با ارزیابی تاثیر اجتماعی سدها، به شناخت آثار منفی ساخت سد بر مردم منطقه دست یافته و با مشارکت آنها در فرایند جابجایی و اسکان مجدد بتوان از آثار منفی آن کاست و این امر می‌تواند پاسخی به منتقدان امر سدسازی باشد.

نمونه ای از نتایج مطالعات انجام شده در مورد پیامدهای اجتماعی سد سازی در جهان

• سد مانانتالی

سد مانانتالی که روی رودخانه سنگال (Senegal) در سال ۱۹۸۸ ساخته شده، موجب نقل مکان ۱۰۰۰۰ نفر از مردم ۳۱ روستا گردید که بزرگترین این روستاها ۹۰۰ نفر ساکن و دیگر روستاها به طور متوسط ۳۵۰ نفر سکنه داشته‌اند.

مطالعه‌ای درخصوص برنامه اسکان مجدد توسط دانشگاه کلارک و مؤسسه انسان شناسی توسعه انجام شده است. مهمترین انتقادات وارد شده بر پروژه اسکان مجدد عبارتند از:

۱- توجه کافی به نیازهای مردم برای دستیابی به یک زندگی متوسط نشده است.

۲- به مسئله حفظ، ارتقاء و بهبود سطح استاندارد زندگی مردم توجه نشده و فقط از دید فنی و ساخت مجدد یک ناحیه به مسئله نگاه شده است.

۳- عدم توجه به ایجاد و فراهم سازی فعالیتهای جدید اقتصادی.

۴- جدا شدن ناحیه اسکان جدید از مناطق دیگر، در حالیکه باید با سایر مناطق و روستاها همکاریهای اقتصادی و تجاری داشته باشد.

۵- هیچ توجهی به مسئله امکان تخصص در صادرات، نیازهای وارداتی و آنچه تراز تجاری می‌نامیم نشده است.

در نهایت روی این نکته نیز تأکید شده است که باید به مردم مهاجر فرصتهای بیشتری برای مشارکت در برنامه ریزی و تصمیم گیری در دوره اجرای پروژه داده شود و حق ساخت شخصی خانه به نحو دلخواه را نیز داشته باشند (میکسل، ۱۳۷۶ : ۹-۱۹۷).

• سد سردار سارووار

سد سردار سارووار (Sardar Sarovar) که در ایالت گجرات هند ساخته شده است، با احداث این سد و ایجاد دریاچه پشت سد بیش از ۷۰۰۰۰ از مردم بومی منطقه باید جابجا و اسکان مجدد شدند. و این رقم در مورد سد ساگار که در همین منطقه قرار می‌گیرد ۸۰۰۰۰ نفر است. با اتمام عملیات این دو سد بیش از ۴۳۰۰۰ هکتار از زمین‌های قابل کشت و ۵۱۰۰۰ هکتار از زمین‌های جنگلی به زیر آب می‌روند.

اجرای چنین طرحهایی موجب افزایش موج مخالفت هم در داخل هند و هم از سوی سازمانهای طرفدار محیط زیست در کشورهای صنعتی شده است. مهمترین نگرانیها عبارتند از:

۱- اسکان مجدد کسانی که در زمین های پشت سد زندگی می کردند.

۲- توزیع منافع و هزینه ها بین مردم ثروتمند و فقیر این کشورها

۳- تخریب جنگل ها و زیستگاه حیوانات وحشی و سایر آثار زیانبار زیست محیطی بر خاک و حوزه های آبیگر

۴- دریاچه اصلی پشت سد و شبکه آبرسانی و آبگذرها، منشاء انواع بیماریهای انگلی از قبیل مالاریا، فیلاریا، شیستوزومیا و دیگر

بیماریهای آبهای آلوده می شوند. البته به نظر کارشناسان این بیماریها قابل کنترل و پیشگیری هستند.

مطالعات نشان دهنده آن است که بیش از ۷۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰ نفر از مردم بومی منطقه و روستاییان فقیر باید از ناحیه احداث سد

نقل مکان کنند. دریاچه پشت سد حدود ۲۴۸ روستا را مورد تهدید و آسیب قطعی قرار میدهد. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۲، ج)

• سد تاربلا

پروژه سد تاربلا (Tarbela) در پاکستان ، مطالعه انجام شده بر روی دو منطقه در حوزه ای که عملیات سدسازی اجرا شده بود پاسخگویان عنوان داشته اند که تولید کشاورزی به مقدار زیادی افزایش یافته است و تغییراتی در الگوهای برداشت نیشکر، پنبه، گندم، برنج و باغهای میوه ایجاد شده است. اجاره زمینها بیش از ۲۰ برابر و تورم محلی ۲ برابر شده است. در کنار این تغییرات شاهد تغییرات منفی چون از بین رفتن زمینهای جنگلی و در نتیجه از دست رفتن فرصت معاش برای افرادی که معاش خود را از جنگل و زمین های مرطوب کنار رودخانه تأمین می کردند و نیز حاشیه ای شدن مردمی که امرار معاش آنها وابسته به رودخانه و سواحل آن بود هستیم. احداث سد برای بخش هایی از مردم موجب از دست دادن حرفه و شغل آنها شده است ولی در نواحی که امکان استفاده بهتر از آب فراهم شده است به خصوص در قسمت هایی که از سیستم آبیاری برای نیشکر استفاده می شود زمینه را برای تشدید اختلاف و نزاع در خصوص توزیع آب فراهم نموده است. به لحاظ بوم شناختی پیامدهای گسترده ای به خصوص از حیث مهاجرت ماهی ها و پرندگان داشته است مطالعه انجام شده بر روی این سد اشاره به درس ها و تجارب آموخته شده ای دارند که به پاره ای از آنها اشاره می شود.

۱- اگرچه فواید حاصل شده در زمینه آبیاری تولید کشاورزی را افزایش داده است لیکن این فواید به صورت نابرابر توزیع

شده اند. و نابرابری را در میان گروهها تشدید نموده است.

۲- مطلوب است قبل از شروع و اجرای پروژه یک بررسی مستقل در خصوص پیامدهای مثبت و منفی پروژه های بزرگ

صورت گیرد تا امکان ارزیابی به صورت بهتر فراهم شود.

سیاست های مربوط به پرداخت غرامت و اسکان مجدد می بایست با مشارکت آسیب دیدگان مورد بحث قرار گیرند و در این میان

افراد فاقد زمین ، صنعتگران و خوش نشین ها نباید فراموش شوند. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۲، ج)

• سد آسلانتاس

سد آسلانتاس (Aslantas) در ترکیه ، در سطح ملی ، کشور از افزایش تولید کشاورزی، افزایش تولید برق و فرصتهای مجدد

حاصل شده بهره مند شد. اما هزینه های مالی طرح نیز بسیار بالا بودند.

هزینه های اصلی اجتماعی برای خانواده های جابجا شده طاقت فرسا بود. زیرا تغییر و جابجائی اجباری آن خانواده ها را مجبور

می نمود که سالها برای سکونت مجدد منتظر بمانند. تاجران زراعی، تولیدکنندگان زراعی - صنعتی و مواد اولیه کشاورزی گروهی

بودند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طرح سود بردند. به نظر می رسد که این مسأله به شیوه ای غیرمستقیم تأثیرات مثبتی بر

روی آموزش، بهداشت و تغذیه ، کاهش فقر و اشتغال در منطقه داشته است. این مسأله بخصوص برای خانواده های بی زمین و

غیرکشاورزی که مستقیماً از نتایج طرح به استثناء برق سودی نبرده اند مهم است. طرح همچنین روندی را به سوی درآمد فزاینده قابل عرضه، افزایش فرصتهای آموزش برای مردم روستایی و آموزش دانشگاهی برای نسل آینده را حمایت می کرد. منافع طرح برای جمعیت ساکن در نواحی پائین رودخانه بیشتر بود در حالیکه بیشتر هزینه ها برای جمعیت های نواحی دریاچه سد و در سطح ملی (مالیات دهندگان) بود. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۲، ج)

• سد ویکتوریا

سد ویکتوریا، پروژه ویکتوریا نمونه کلاسیکی است از اینکه چگونه یک پروژه با شتاب به اتمام می رسد. آنچه که می بایست در طول سی سال با احتیاط و دقت فراوان ساخته می شد، در عرض پنج سال انجام شد. به انجام رسیدن این سد برخلاف راهنمایی هایی بود که UNDP تدارک دیده بود.

در حالیکه وجود سدهای بزرگ به تقویت اقتصاد کشور به شیوه های مختلفی کمک می کند، ولی مسایل زیادی نیز وجود دارند از آن جمله است: هزینه زیاد سرمایه های مالی سریلانکا، دستیابی به زمینهای جدید، اسکان مجدد، توسعه تأسیسات زیربنای جدید. هزینه های خسارت، ارزش درآمد از دست رفته ناشی از اموال، هزینه تأسیسات زیربنایی از دست رفته، چون جاده ها، پل ها، کابلهای برق و غیره. توزیع ناعادلانه زمین بدست آمده برای اشتغال افراد اسکان یافته، ثروت هنگفت کارمندان پروژه و سیاستمداران مربوط و غیره که نمونه هایی از این هزینه می باشند. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۲، ج)

نتایج مطالعات پیرامون چند سد بزرگ در نقاط مختلف دنیا (تری گورجس در چین، سیحان در ترکیه، تاربا در پاکستان، گراندکوکی در آمریکا، پاک مون در تایلند، سردار سردار در هند، مانانتالی در مالی، و ویکتوریا در سری لانکا) بطور کلی نشان می دهد که بسیار از اهداف و برنامه ریزی های اجتماعی و اقتصادی در این طرح ها ناموفق از کار درآمده اند. در واقع هیچیک از دولت ها و سازمان های مجری پروژه های سدسازی نتوانسته اند از وارد آمدن خسارت و آسیب های اقتصادی و طبیعی پیش از بهره برداری از این سدها جلوگیری نمایند. ضمن اینکه در اکثر موارد سازمان های مجری طرح به وعده های خود در خصوص پرداخت خسارت بصورت نقدی و یا واگذاری زمین و امکانات اشتغال زایی عمل نکرده اند و یا تاخیر در این امور موجب از دست رفتن فرصت و وارد آمدن فشارهای بسیار به اهالی منطقه شده است. در برخی موارد اساساً اطلاع رسانی درست و کاملی در خصوص پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ساخت سد صورت نگرفته و همین امر موجب نادیده گرفته شدن حقوق منطقه طرح گردیده است. همچنین برخی از پیش بینی ها در مورد فراهم شدن فرصت های جدید در اقتصاد منطقه همچون توریسم و یا افزایش تعداد آبریان عملاً محقق نشده است.

برگزارکنندگان نشست آدانا در ژانویه ۲۰۰۰ در مورد مسائل اجتماعی ساخت سدها پیشنهادات زیر را ارائه کردند:

۱- شناخت تسهیلات سکونتگاهی باید همراه با مطالعات مربوط به اسکان مجدد آغاز شود و ترجیحاً، امکان اسکان مجدد در کنار روستاها باید مورد بررسی قرار گیرد.

۲- حمایت اجتماعی و اقتصادی فراهم گردیده و مکانیزم نظارت باید اجرا شود. در چنین مواردی جابجا شدگان باید بیشتر مورد حمایت قرار گیرند تا نابرابری بین مردمی که زمین شان را بعد از پروژه آبیاری می کنند و مردمی که جابجا شده اند محدود شود.

۳- تصمیمات درباره سازماندهی مجدد زراعی باید با مشارکت کشاورزان و کارکنان پروژه که ذینفع‌های واقعی پروژه هستند صورت بگیرد. در غیر اینصورت تصمیماتی که در سطح مرکزی اتخاذ می‌شود نیازهای کشاورزان را پاسخ نمی‌دهد. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۲، ج: ۳۳)

نمونه ای از نتایج مطالعات انجام شده در مورد پیامدهای اجتماعی سد سازی در ایران

• سد کارون ۳

سد کارون ۳ که در آبان ماه ۱۳۸۳ عملیات آبیگری آن آغاز گردید، در ۲۸ کیلومتری شرق شهرستان ایذه در استان خوزستان و در فاصله ۶۱۰ کیلومتری مصب رودخانه کارون در شمال شرقی استان خوزستان واقع شده است. روستاهایی که از مستقیماً از سد تاثیر پذیرفته اند بیش از ۷۰ روستا بودند که دارای ۹۰۵۶ نفر جمعیت در قالب ۱۴۲۱ خانوارند. مهمترین مشاغل این مردم کشاورزی و دامداری است و برخی از روستاییین نیز به امور خدماتی یا فعالیتهای دولتی شاغل هستند. از روستاهای تاثیر پذیرفته، روستاهایی که به طور کامل از بین رفته اند ۳۸ روستا، و روستاهایی که بخشی از آنها از بین رفته اند ۲۸ روستا و ۱۱ روستا فقط راه ارتباطیشان قطع شده است که این امر برای رفت و آمدشان مشکلاتی ایجاد کرده است. مجموعه روستاهای متاثر، که تشکیل منظومه‌ای از روستاها را می‌دهند، قبل از اجرای پروژه سد مجموعه بسته‌ای را تشکیل می‌دادند، لیکن با ورود اطلاعات، پول، انرژی و ورود عناصر بیرونی و گسترش ارتباط آنها با بیرون، به مجموعه‌ای پویا و باز تبدیل شده‌اند که ویژگیها و مسائل اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی خاصی را دارا می‌باشند. مجموعه تغییرات مثبت و هزینه‌های مربوط به آن، در نهایت سیستم قبلی را که حالت متعادل و خود بسنده‌ای داشت دچار نوعی عدم تعادل در سطوح مختلف فردی و فرافردی نموده است. در سطح فردی می‌توان به حالتهای روحی و روانی حادث شده در بین روستاییان حوزه مورد مطالعه به دلیل از دست دادن گذشته و هویت تاریخی خود، از دست دادن شغل و پیشه خود، مشخص نبودن وضعیت آینده، ناتوانی در تصمیم گیری و تغییر در نظام انتظارات آنها اشاره نمود. در سطح فرافردی نیز می‌توان از جابجایی‌های جمعیتی، مهاجرت، فشار بر دیگر نظام‌های نسبتاً متعادل اطراف و بالاخره نامتعادل ساختن دیگر حوزه‌ها یاد نمود. به لحاظ ویژگیهای اجتماعی - روانی به دلیل تجربه نمودن نوعی ساختار زدایی و خارج شدن از قالب‌های بسته و محدود قبلی، جامعه مورد نظر دستخوش تغییرات گسترده ای شده است به گونه ای که در خواسته‌ها، انگیزه‌ها و نظام انتظارات روستاییان شاهد تغییراتی هستیم که این تغییرات هم دارای بعد مثبت و هم دارای بعد منفی هستند. به این دلیل مثبت هستند که زمینه و آمادگی روانی را برای بروز رفتارها و کنش‌های مثبت، کارا و مؤثر از حیث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازند و منفی بودن آنها بیشتر ناشی از شکل‌گیری نوعی احساس ولع و انتظاری است که چنانچه مورد کنترل و ساماندهی قرار نگیرد، زمینه را برای بروز رفتارها و کنش‌های ناسازگار و نابهنجار فراهم می‌سازد. از این بابت است که برنامه ریزی آموزشی و ترویجی جهت ساماندهی گرایش‌ها و آمادگی‌های روستاییان را در جهت بهینه فراهم می‌سازد و به سمت تغییرات برنامه ریزی و هدایت شده سوق دهد. تردیدی نیست که در این زمینه، فعال شدن بخش عمومی و استفاده از پتانسیل‌های موجود می‌تواند اثرات مثبتی را بدنبال داشته باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند روستاییانی که دارای موقعیت مناسب تری از حیث وضعیت تحصیلی، دارایی‌ها و داشتن مسؤولیت هستند، برخوردار از گرایش‌های مثبت تری می‌باشند. و قضاوت و داوری آنها در خصوص پروژه در دست اجرا نیز مثبت تر است. بنابراین مشارکت دادن آنها در حل مشکلات حوزه مورد بررسی می‌تواند نقش تعدیل کننده مثبتی در ممانعت

از تشدید مسائل داشته باشد. در ارزیابی از عوارض منفی سد از بین رفتن زمین کشاورزی، از بین رفتن منبع درآمد، سرگردانی و بلا تکلیفی، جابجایی، از بین رفتن همبستگی قومی، تشدید اختلافات محلی و خانوادگی و تعویق کارهای عمرانی از مواردی هستند که از طرف روستاییان مطرح شده اند. تمامی روستاییان نسبت به از بین رفتن زمین کشاورزی به عنوان یک عارضه منفی اتفاق نظر دارند، لیکن در خصوص دیگر عوارض مطرح شده نظر روستاییان بر حسب موقعیت و جایگاه و سطح تحصيلات آنها تفاوت پیدا می کند.

به لحاظ وضعیت پایگاهی برمبنای شاخص های درآمد، میزان محصول سالانه، تعداد دام، سطح تحصيلات و تعداد اتاق واحدهای مسکونی تقریباً ۳۰ درصد ساکنین روستاها در پایگاه اجتماعی پایین، ۵۸ درصد در پایگاه اجتماعی متوسط و ۱۲ درصد در پایگاه اجتماعی بالا قرار دارند. ملاحظه می شود که در مجموع فاصله طبقاتی نسبتاً قابل توجهی در بین روستاییان وجود دارد. و علاوه بر این، ۳۰ تا ۴۰ درصد خانوارها، تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار دارند. داده های جمع آوری شده از روستاهای مورد مطالعه نشان می دهد که وضعیت پایگاهی روستاهایی که در دریاچه سد قرار می گیرند نسبت به دیگر روستاها بهتر است، هر چند که بخشی از این وضعیت را باید ناشی از افزون گویی پاسخگویان روستاهای واقع شده در دریاچه سد دانست.

از حیث نظام منزلتی، حوزه مورد بررسی برخوردار از گروههای مرجعی است که ترکیبی از نیروهای سنتی و رسمی می باشند. در بخش سنتی ریش سفیدان و بزرگان تیره ها و در بخش رسمی نیروهایی از قبیل معلمین و شوراها دارای منزلت قابل قبولی هستند. افراد دارای سن بیشتر، برای نیروهای سنتی و افراد جوان برای نیروهای رسمی و دولتی قایل به منزلت هستند. در بحث مهاجرت نیز هر چند که تجربه مهاجرت در روستاها در طی چند دهه اخیر وجود داشته است، لیکن در سالهای اخیر به دلیل وضعیت جدیدی که حوزه مورد بررسی پیدا نموده است، میل به مهاجرت تشدید شده است. این مهاجرت در درجه نخست، معطوف به نقاط شهری ای است که در جامعه مورد بررسی این تحقیق، شهرستان ایذه بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است.

بدیهی است که با توجه به بافت و ساختار شهرستان ایذه، برنامه ریزی و ارزیابی مؤثر متولیان این شهر می تواند از شکل گیری آسیب ها و مسائل اجتماعی ای چون حاشیه نشینی و تبعات بعدی آن ممانعت نماید. مهاجرت به خصوص در بخش هایی که صورت اجباری دارد، یعنی در روستاهایی که به صورت کامل در دریاچه سد قرار می گیرند و یا راههای ارتباطی آنها قطع می شود، همراه با نوعی از دست دادن احساس تعلق و هویت و پیوستگی روانی، اجتماعی و فرهنگی است. در این زمینه استفاده از ساز و کارهای نهادی ای چون شکل گیری انجمن ها و هیأت مذهبی، تشکیل تعاونی ها و استفاده از برخی از زمینه های فرهنگی موجود در منطقه چون میراث فرهنگی، در قالب جابجایی امام زاده ها، می تواند تا اندازه ای بحران هویتی و فقدان وفاق اجتماعی و فرهنگی ای که حوزه مورد مطالعه با آن مواجه خواهد بود را ترمیم و تقلیل دهد. تمامی برنامه ها در گرو، ورود و عزم مؤثر متولیان بخش عمومی شهرستان ایذه و بخش های مربوطه می باشد، تا هزینه های اجتماعی، روانی و فرهنگی حاصل شده را کاهش داده و نوعی ساماندهی کارا و مؤثر جدیدی را موجب شوند. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۲، ج)

• گتوند علیا

احداث سد عظیم گتوند که باعث پیدایش دومین دریاچه بزرگ مصنوعی در ایران می‌شود، آثار گسترده‌ای در این منطقه به جا می‌گذارد. با احداث این سد، دریاچه‌ای به طول ۹۰ کیلومتر به وجود می‌آید که محدوده‌ای وسیع از شمال استان خوزستان را از بخش مرکزی مجزا می‌سازد و حداقل در کوتاه مدت موجب انزوای این بخش می‌گردد.

احداث این سد مجموعاً "۳۶۳ آبادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد که وضعیت آنها با توجه به میزان تاثیرپذیری از احداث سد به ترتیب زیر است:

۱- آبادیهای واقع در حوضه بالادست دریاچه سد شامل ۳۵ آبادی. این ۳۵ آبادی در دریاچه سد واقع می‌شوند و کل عرصه و اعیان آنها از بین می‌رود (آبادیهای مستغرق).

۲- آبادیهای اطراف حوضه دریاچه سد شامل ۸۶ آبادی. این آبادیها در حاشیه سد قرار گرفته‌اند و به نوعی تحت تاثیر سد هستند (بخشی از عرصه یا اعیان آنها از بین می‌رود یا راه ارتباطی‌شان قطع می‌گردد).

۳- آبادیهای پایین دست حوضه سد شامل ۲۴۲ آبادی. این آبادیها بطور مستقیم تحت تاثیر احداث سد نیستند ولی به نظر می‌رسد از احداث سد منتفع خواهند شد.

با ساخت سد گتوند نوار شمالی شهرستان مسجد سلیمان (شهرستان لالی)، در ورای دریاچه‌ای بزرگ قرار می‌گیرد که ارتباط زمینی ساکنان آن با شهر مسجد سلیمان و مرکز استان با محدودیت مواجه می‌شد و بالتبع محدودیت‌های دیگری بر فعالیت‌های اقتصادی و روابط اجتماعی آنها تحمیل می‌گردد همچنین اهالی حدود ۳۵ روستایی که با آبیگری سد مستغرق می‌شوند و روستاهایی دیگری که با این رخداد دچار خسارت می‌شوند، به ناچار با شرایط جدیدی برای زندگی مواجه می‌شوند و باید خود را با این شرایط تطبیق دهند.

مطالعات انجام شده نشانگر آن است که بسیاری از اهالی، مبادرت به مهاجرت به شهرهای اطراف می‌کنند و به طور کلی محل سکونت و شغل دیرینه خود را از دست می‌دهند و برخی نیز با تحمل دشواری‌هایی باید زمینه اشتغال و فعالیت جدیدی برای خود به وجود آورند و با دریافت خسارت، مسکن جدیدی نیز احداث نمایند. علاوه بر این شبکه ارتباطی خویشاوندی و همسایگی نیز دچار اختلال خواهد شد و اهالی ناچاراً باید با مجموعه ارتباطات اجتماعی جدیدی خوگیرند.

از سوی دیگر با احداث و شکل‌گیری دریاچه آن بستر جدیدی برای فعالیت‌های توریستی، شیلاتی، دامپروری، کشاورزی و ... ایجاد می‌شود و با ورود سرمایه‌های کلان به منطقه و ایجاد تحولی تعیین‌کننده در طبیعت منطقه، به دلیل پیدایش دریاچه‌ای با حدود ۹۰ کیلومتر مربع مساحت، امکان بروز تحولاتی مثبت در منطقه پدید می‌آید. با بروز این تحول، منطقه‌ای که تاکنون به عنوان یک حوضه جغرافیایی دوردست و محروم شناخته می‌شده است، تبدیل به نقطه‌ای توریستی و شناخته شده می‌شود که توجه بسیاری از مسئولین کشوری و استانی و نیز افکار عمومی و گردشگری و حتی سرمایه‌گذاران را به خود جلب می‌کند. این تحول قابلیت آن را دارد که منطقه را از محرومیت برهاند و ساکنان آن را با شرایط مثبت جدیدی مواجه سازد که زندگی و معیشت آنان را بهبود دهد و آنان را در برکات و آثار سد شریک سازد. البته ناگفته پیداست غلبه آثار منفی یا مثبت احداث سد در منطقه وابستگی کاملی به نحوه مدیریت و تدبیر امور دارد که آنهم متکی به شناخت عوارض احتمالی و زمینه‌ها و استعدادهای موجود در منطقه است. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۶، ج)

• کارون ۴

احداث سد کارون ۴ که باعث پیدایش دریاچه ای به مساحت حدود ۳۰ کیلومتر مربع می‌شود، آثار اجتماعی و اقتصادی در این منطقه به جا می‌گذارد. با احداث این سد، ۲۲ آبادی بطور کامل در دریاچه سد واقع می‌شوند و کل عرصه و اعیان (ساختمان‌ها و زمینهای کشاورزی) آنها از بین می‌رود و ۵ آبادی نیز به نوعی تحت تاثیر احداث سد قرار می‌گیرند و در حاشیه سد هستند و بخشی از عرصه یا اعیان آنها متاثر از احداث سد است. لازم به ذکر است اکثر این آبادی‌ها، آبادی‌های کوچک و بسیار کوچک هستند.

بین سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ عرصه و اعیان شش آبادی توسط شرکت آب و نیرو خریداری شده است و روستاها از سکنه تخلیه شده‌اند و مردم آن به روستاهای دیگر (غالباً سرخون و گندمکار) مهاجرت کرده‌اند که البته تخلیه روستاها به خصوص روستای نسبتاً بزرگ "کتولا" با تعارضهایی همراه بوده است. از دست دادن خانه و کاشانه و موطن اصلی، محل قشلاق خود و همچنین تغییر نظام معیشت مردم شرایط جدیدی برای زندگی است که مردم منطقه با آن مواجه می‌شوند و باید خود را با این شرایط تطبیق دهند. (حیدری و میرزائی، ۱۳۸۷، الف)

در مجموع بررسی‌ها نشان می‌دهد که کمترین آسیب اجتماعی در بین سه سد مذکور، در سد کارون ۴ می‌باشد چرا که تعداد جمعیت متاثر کم بوده و اهالی روستاهای متاثر از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و امکانات فیزیکی مناسبی برخوردار نبودند.

بررسی نظرات منتقدان و موافقان سدسازی از منظر مسائل اجتماعی

ساخت سدهای بزرگ علاوه بر منافع اقتصادی و تکنولوژیکی دارای آثار مثبت اجتماعی شامل اثر آن بر معیشت، سلامت، نظام‌های اجتماعی و فرهنگ‌ها هستند. اما همزمان سدها، روی بسیاری از مردم و جوامع تأثیر منفی نیز گذاشته‌اند.

در سطح جهانی، شدت، گسترده و پیچیدگی این آثار اجتماعی منفی، برای مردم جابه‌جا شده و برای مردمی که به اکوسیستم‌های رودخانه‌ای چه در بالادست و چه در پایین‌دست یک سد وابسته‌اند، بسیار مهم است. برای آرایه هر گونه ارزیابی و یافتن دلیل و منطق ساختن سد، این مباحث باید کامل مورد بررسی قرار گیرد. متأسفانه این آثار - حتی امروزه - اغلب در برنامه‌ریزی‌ها شناخته نشده و در نظر گرفته نمی‌شود. در بسیاری از موارد دیده شده که حتی در دوره بهره‌برداری از طرح‌ها هم هنوز این موضوع‌ها ناشناخته می‌مانند. با وجود این که در برخی مواقع دست به اقدام‌های کاهش و تسکین آثار منفی زده می‌شود، اما این اقدام‌ها به اندازه کافی پاسخ‌گوی مسایل ایجاد شده با ساخت یک سد بزرگ، یا پاسخ‌گوی تصمیم‌گیری برای ساختن آن نیستند.

آثار اجتماعی و زیست محیطی سدها را نیز می‌توان مانند آثار اقتصادی آن، برحسب منافع و زیان‌های وارده به گروه‌های اجتماعی در شرایط حال و آینده دسته‌بندی کرد.

تحلیل داده‌های پایگاه اطلاعاتی کمیسیون جهانی سدها و به‌ویژه مطالعات موردی آن، نشان می‌دهد که گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر و نسل‌های آینده، احتمالاً مجبور به پرداختن سهم غیرعادلانه‌ای از هزینه‌های ساخت سدها هستند، بی‌آن که سهم فراخوری از منافع اقتصادی آن را به دست آورند. با توجه به این که کل آحاد جامعه تأثیرپذیر با هزینه‌ها و سودهای اقتصادی، زیست محیطی، و اجتماعی طرح مواجه می‌شوند، تصمیم‌گیری درباره مطالعه و انتخاب طرح‌ها فقط بر مبنای محاسبه اقتصادی سود و زیان مثبت و منفی، ناکافی است. زیرا این نوع تصمیم‌گیری در مورد کاربرد راهکارهای تقسیم سودها و پرداخت خسارت‌ها، در برگیرنده

عدالت اجتماعی نیست و ادامه چنین میراث تصمیم‌گیری که موجب نابرابری بیشتر اجتماعی می‌شود، غیرقابل قبول بوده و حتی غیرضروری است. (کمیسون جهانی سدها، ۱۳۸۶)

بروز مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از ساخت سدهای بزرگ در دنیا حتی عده‌ای از متخصصان و سازمان‌های جهانی را برآن داشته است تا در اساس مفید بودن اینگونه سدها ابراز تردید کنند و بحران‌های زیست محیطی و تخریب و نابودی منابع آب و باتلاق‌ها و مرداب‌ها را زیانبارتر از منافع سدها در تولید برق قلمداد نمایند. صندوق جهانی طبیعت در گزارشی اعلام کرده است که عملیات شش سد بزرگ در نقاط مختلف جهان پیامدهای این گونه پروژه‌ها را وخیم‌تر گزارش کرده و نسبت به آن هشدار داده است. کارشناسان این سازمان خواستار ارایه راه‌حل‌های دیگری برای تجدید منابع آب و انرژی شده‌اند که آسیب کمتری به وضعیت اقتصادی و طبیعی مناطق وارد کند. در اینجا دلایل آنها را ذکر می‌کنیم:

- هزینه احداث سدهای بزرگ، زیاد است و در برخی موارد می‌توانند به تنهایی پرهزینه‌ترین سرمایه‌گذاری یک کشور باشند. این هزینه، ممکن است برگشت‌ناپذیر بوده و با انگیزه‌های کاملاً سیاسی انجام شده باشد.

- احداث سدها اغلب بر اساس منافع اقتصاد کلان ملی و منطقه‌ای توجیه‌پذیر می‌شود. حال آنکه تأثیر فیزیکی آنها محلی است و این اثرات اغلب بر ساکنان دره‌ها و مردم حاشیه رودخانه‌ها وارد می‌شود. اختلاف منافع سدها با هزینه آنها اغلب به مجادله و منازعه تبدیل می‌گردد.

- اثر اسکان مجدد در سدها، بیش از سایر طرح‌های زیربنایی است، زیرا که در سایر طرح‌ها، مانند جاده‌سازی و نیروگاه‌های حرارتی، می‌توان مردم را در حاشیه جایگاه طرح اسکان داد، اما در مورد سدها که اراضی حاصل‌خیز کشاورزی زیر آب می‌رود، این امر ممکن نیست.

- کسانی که با احداث سدها جابه‌جا شده‌اند، نه تنها خانه، بلکه معیشت خود را از دست می‌دهند. اسکان مجدد روستاییان در مناطقی با اراضی مساعد، اغلب با مشکل همراه است.

- سدهای بزرگ بر منابع کمیاب و با ارزش پایدار زندگی، مانند زمین، ماهیان، و کیفیت آب شرب اثر می‌گذارند.
- فقدان راه‌حل‌های کافی و قابل‌پذیرش در مورد اثرات اجتماعی و زیست محیطی تأسیسات بزرگ، موجب افزایش جنبش‌های اجتماعی در این موارد شده است.

- عملکرد اقتصادی کمتر از انتظار در بسیاری از طرح‌ها، از جمله این مشکلات است.
علاوه بر عوامل فوق، بی‌عدالتی در توزیع منافع و اثرات و نگرانی‌های فزاینده در مورد پیامدهای زیست محیطی، حکایت از آن دارد که مباحثه‌ها و تضادهای موجود درباره سدهای بزرگ، تنها مختص سدها نیستند. بلکه بخشی از بحث‌های گسترده‌تر درباره توسعه هستند (کمیسون جهانی سدها، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

در پایگاه اطلاعاتی کمیسیون جهانی سدها، یافته‌های زیر در مورد تأثیرهای منفی جابه‌جایی از خانه و کاشانه و زندگی معیشتی مردم، بر اثر ساختن سدهای بزرگ نقل شده است:

- ۴۰ میلیون نفر در تمام جهان به طور فیزیکی و بر اثر ساختن سدهای بزرگ، مجبور به ترک محل شدند.
- میلیون‌ها نفر که در پایین دست سدها زندگی می‌کنند، به‌ویژه آنهایی که وابسته به بالا و پایین رفتن سطح آب در دشت‌های سیل‌گیر و فعالیت‌های ماهیگیری هستند، از لحاظ معیشت و قابلیت تولید منافع، خسران زیادی دیده‌اند.
- بسیاری از مردم جابه‌جا شده، شناخته نشده و یا پرداخت خسارت نشده‌اند، و از آن رو اسکان مجدد نیافتند.

- پرداخت خسارت اغلب کافی نبوده و بسیاری از مردم جابه‌جا شده در برنامه‌های تجدید اسکان گنجانده نشده‌اند.
- زندگی معیشتی اسکان‌یافتگان، به ندرت احیا شده و برنامه‌های اسکان به جای توسعه اقتصادی و اجتماعی توجه خود را به جابه‌جایی فیزیکی معطوف کرده است.
- حتی در سال‌های ۱۹۹۰، ارزیابی اثرات وارده بر معیشت مردم پایین دست سدها، به طور کافی در برنامه‌ریزی و طراحی سدهای بزرگ انجام نشده است.
- بین شمار جابه‌جایی افراد و اجبار به ترک محل و توانایی نوسازی و احیای زندگی معیشتی رابطه روشنی وجود دارد، یعنی هر چه شمار مردم جابه‌جا شده بیشتر باشد، احتمال احیای مجدد زندگی معیشتی مردم کمتر است (کمیسیون جهانی سدها، ۱۳۸۶:۳۰۳).

منافع اجتماعی سدها در حوزه های بالادست و پایین دست

ساخت سدهای بزرگ علاوه بر منافع اقتصادی و تکنولوژیکی دارای آثار اجتماعی شامل اثر آن بر معیشت، سلامت، نظام‌های اجتماعی و فرهنگ‌ها هستند. در مجموع می‌توان منافع اجتماعی ساخت سدها را چنین بر شمرد:

۱- ایجاد امکانات زیر ساختی. جاده، خطوط برق رسانی، خدمات اجتماعی و سایر تاسیسات زیر بنایی مربوط به یک سد، امکانات دست یابی به نواحی و دور افتاده را امکان پذیر ساخته و باعث اسکان جمعیت و اتصال اقتصاد منطقه ای به بازارهای مالی می‌شود.

۲- اجرای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای

۳- ایجاد مشاغل جدید، سدها در دوره ساخت، به شمار زیادی کارگران غیر ماهر و شمار کمتری از کارگران ماهر نیاز است. بنابراین در مرحله ساختمانی هم برای کارگران ماهر و هم برای کارگران غیر ماهر کار جدید ایجاد می‌شود. منافع حاصل، برای جوامع محلی به عات تاثیرهای کوتاه مدت اقتصادی عملیات ساختمانی، گذراست. اما ممکن است برنامه ریزی دقیق، رونق اقتصادی در محل ایجاد نموده و به منافع درازمدت نیز بیانجامد. تجربه ای که در ساخت سد در ایران ایجاد شده به خوبی گویای این مساله است. همچنین مشاغلی بعد از بهره برداری از سد ایجاد می‌شود مانند بحثهای گردشگری، شیلات، رونق کشاورزی در حوزه های پایین دست و شاغلان در بخش نگهداری از سد و نیروگاه سد.

۴- دسترسی به آموزش، در خیلی از موارد به دلیل جابجایی مردم و دستیابی آنان به امکانات رفاهی بهتر، و ایجاد امکانات در منطقه طرح دسترسی آنان به آموزش بهتر شده است. همچنین به دلیل تغییر و تحولات ایجاد شده در منطقه طرح مردم توانمندتر شده اند.

۵- دسترسی به مواد غذایی، به طور کلی احداث سدهای بزرگ، موجب امنیت بیشتر غذایی و تغذیه مناسب تر در سطح خانوارها شده است. (کمیسیون جهانی سدها، ۱۳۸۶:۲۴۸)

۶- سلامت، ساخت سدها در خیلی از موارد دسترسی به امکانات را فراهم کرده اند و برحوزه سلامت اثر مثبتی گذاشته اند. به عنوان مثال، به دنبال توسعه تارپلا در مناطق اطراف مخزن امکانات خصوصی و عمومی سلامتی بطور قابل توجهی توسعه یافت.

بیمارستانها، کلینیک‌ها، مشاوران خصوصی نیمه وقت افزایش یافتند.. مصاحبه‌های میدانی ثابت کرد که یک کاهش عمومی و عمده در میزان مرگ و میر نوزادان به علت تاسیس زایشگاه حادث شده است. امید زندگی در سطح ملی افزایش یافته است و از ۴۵/۸ در سال ۱۹۷۰ به ۵۵/۸ در سال ۱۹۹۰ رسیده است. (هاشمی و حیدری، ۱۳۸۶، ب: ۳۳)

۷- تاثیرات مثبت فرهنگی ، با بهبود فرصت‌های تحصیلی، امکان انجام فعالیت‌های اجتماعی ،بالا بردن آگاهی مردم و بهبود پایگاه اجتماعی گروه‌های فقیر

۸- رواج ارزشهای توسعه‌ای و کم شدن تعصبات ، احداث سد و تغییرات تکنولوژیک و مهاجرت و جابجایی ناشی از آن منجر به شکل‌گیری تدریجی نظام ارزشی نوینی در منطقه خواهد شد که با نظام ارزشی سنتی قبلی تا حدی متفاوت خواهد بود. افزایش تماسها و مبادلات فرهنگی با متخصصین حوزه سد و کسانی که به نحوی در سد مشغول‌اند، ورود ماشین آلات و فن‌آوری های نوین به منطقه، پرداخت غرامت و بهای زمین در اثر از دست رفتن املاک و اعیان زمین ها، مشغول شدن در سد و بتدریج ورود پول در جریان زندگی مردم به تقویت نظام ارزشی توسعه ای خواهد نمود. به عبارت دیگر، نظام ارزشی جدیدی در حال شکل گرفتن است که توسعه و ارزش‌های مربوط به آن در حال هنجارمند شدن می‌باشند و ولع ارتقاء جهت دستیابی به پول بیشتر ، تحصیلات بالاتر، و بهره‌مندی از امکانات و وسایل رفاهی بهتر در نظر مردم منطقه به صورت آگاهانه اهمیت پیدا کرده‌اند. از این‌رو تقاضاهای جدیدی بر پایه این نیازها بوجود آمده‌اند. زیرا نیاز و ارزش با هم رابطه دو سویه دارند. همچنانکه نیازها ارزش‌ها را شکل می‌دهند، ارزش‌ها نیز در بوجود آمدن نیازها موثرند (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

مضار اجتماعی سدها در حوزه های بالادست و پایین دست

۱- جابجایی اجباری مردم و مشکلات اسکان مجدد ، به دلیل آنکه عمده سکونت‌گاه های انسانی در ایران اطراف منابع آب شکل گرفته و شکل‌گیری آبادی ها منوط به وجود آب در یک منطقه است، احداث سد معمولاً این سکونت گاه‌ها را در حوزه مخزن دچار خسارت می‌نماید و محیط طبیعی آنجا را دستخوش دگرگونی می‌کنند.

این تغییر در سکونتگاه و مسئله اسکان مجدد یا مهاجرت ساکنین حوزه مخزن به سایر نقاط، مسائل عدیده ای را ایجاد می‌نماید. در نتیجه، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی یک سد، مختل‌کننده دراز مدت و اغلب برگشت‌ناپذیر است که به طور قطع می‌بایست با برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق به کنترل و هدایت مسائل اجتماعی ناشی از آن پرداخت..

۲- به هم خوردن نظام معیشتی مردم ، با جابجایی مردم و زیر آب رفتن زمینها و مراتع مردم منطقه نظام معیشت آنها دچار مشکلات زیادی میگردد. همچنین ، گروه های بومی و آسیب پذیر که اقتصاد ملی به رویشان باز شده است، اراضی و معیشت خود را در معرض تهدید نیروهای فراتر از تجربه یا کنترل خود می بینند.

۳- اهالی منطقه باورود شمار زیادی از اهالی خارجی ، خود را در معرض مسایل فزاینده بهداشتی(شامل مالاریا ، بیماریهای جنسی و ایدز) ، می یابند.(کمیسیون جهانی سدها، 247:1386)

۴- از دست رفتن همبستگی و انسجام اجتماعی مردم

۵-سدهای بزرگ ، تاثیر منفی قابل توجهی میراث فرهنگی و آثار باستان‌شناسی از طریق از میان رفتن منابع محلی فرهنگی (معابد، صحن ها، مزارارها، مکانهای مقدس و مذهبی هنرهای دستی و ساختمانها) و به زیر آب رفتن و خراب شدن آثار باستانی(آثار گیاهی و جانوری، معابد، مزارها و آثار معماری) می گذارند.

۶- نابرابری‌های جنسیتی، در جوامع تحت تاثیر ساخت سدها، تحمیل غیر منصفانه هزینه‌های اجتماعی به زنان و یا تخصیص نابرابر منافع حاصل، باعث افزایش نابرابریهای موجود بین زن و مرد شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سودآوری واقعی اقتصادی طرح‌های بزرگ سدسازی، به علت در نظر نگرفتن هزینه‌های واقعی زیست محیطی و اجتماعی آنها، گمراهن کننده است. نکته مهم‌تر این که، ناتوانی در منظور کردن واقعی این اثرات و برآوردن تعهدها، منجر به فقر و رنج میلیون‌ها نفر شده و در نتیجه موجب رشد فزاینده مخالفان سدسازی، توسط مردم تأثیرپذیر در همه نقاط دنیا گردیده است. روش‌های ابتکاری جدیدی برای جبران خسارت‌ها و تسهیم منافع طرح‌ها در حال شکل‌گیری است که بر اساس آن می‌توان خوش‌بین بود که بی‌عدالتی‌های گذشته جبران شده و از تکرار آن جلوگیری گردد.

نظرات انتقادکنندگان سدسازی:

- نیاز به گزینه مناسب‌تر و پایدارتر برای تأمین آب و انرژی در مقایسه با سد سازی.
 - نیاز به ایجاد شفافیت، حساب رسی و مشارکت عمومی در برنامه ریزی طرح‌های آب و انرژی.
 - اهمیت تصویب اولیه طرح توسط گروه‌های تأثیرپذیر.
 - نیاز به احقاق حقوق مردم تأثیر پذیر و ایجاد تدابیر لازم برای کاهش نابرابری.
 - ضرورت اتخاذ تدابیر لازم برای حل مسائل به جا مانده از تعهدها و مسایل حل نشده گذشته.
- نظرات طرفداران سد سازی:
- تکامل و تغییر عملیات بهره برداری در طی زمان
 - نگرانی‌های اجتماعی و زیست محیطی در حد نگرانی‌های مربوط به ایمنی تلقی شود (این طرفداران معتقدند که باید از ایجاد هزینه‌های زیست محیطی و اجتماعی اجتناب کرد، و یا در صورت وقوع، این هزینه‌ها را به حداقل رساند و به وجه مناسبی کاهش داد)
 - ایجاد اطمینان به مردم تأثیر پذیر که با احداث سد وضع بهتری خواهند داشت و سهامدار و شریک شمردن مردم و در نتیجه، اعتقاد به این که مردم از ساختن سد بهره خواهند گرفت.
 - ضرورت تصمیم‌گیری‌های مشارکتی.
 - ضرورت تقویت اصول برابری، کارایی و توجیه‌پذیری اقتصادی.
 - اهمیت متعادل کردن نیاز توسعه با نیازهای مربوط به پایداری زیست محیطی.
- بررسی‌های بالا، نشان می‌دهد که به صورت بالقوه، موارد زیادی برای همگرایی به ویژه در مورد نیازهای آینده وجود دارد.
- هم مخالفان و هم موافقان قبول دارند که باید موارد زیر در نظر گرفته شود:
- در نظر گرفتن جدی‌تر هزینه‌های زیست محیطی و اجتماعی سدها.
 - مشاوره‌های منظم‌تر با مردم تأثیر پذیر.
 - اطمینان از بهره‌مند شدن مردم در فرایند توسعه.

- اطمینان از تقسیم عادلانه منافع و هزینه سدها.

اما هنوز مسایل حل نشده‌ای در موارد مالی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی وجود دارد، که بین موضع گیری‌ها اختلاف به وجود می‌آورد.

پیچیده‌ترین مسایل عبارت‌اند از:

- کدام گزینه‌ها در تامین هدف‌های توسعه توجیه بیشتری دارند و این که آیا مکمل یکدیگر و یا مستقل از هم هستند؟

- اثرات منفی زیست محیطی و اجتماعی تا چه حد قابل قبول است؟

- میزان اجتناب از اثرات منفی اجتماعی و زیست محیطی و درجه کاهش آنها.

- میزان رضایت‌های محلی که باید در تصمیم گیری‌های دولت مرکزی منظور گردند.

یکی از مشکلات اصلی (به ویژه یکی از مهم ترین عوامل بن بست در مباحث) فقدان اطمینان متقابل بین طرف‌های اصلی درگیر است.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

آنچه که در بررسی تحقیقات منتشر شده پیرامون سدسازی، با تأکید بر ابعاد اجتماعی و مساله اسکان مجدد و جابجایی‌ها دیده می‌شود، اجماع تمام محققان به لزوم توجه هر چه بیشتر به ابعاد اجتماعی - فرهنگی طرح‌های توسعه‌ای بزرگ بالاخص سد سازی است آنچه که در این تحقیقات به طور ضمنی اشاره شده است، غفلت وسیع طرح‌های توسعه‌ای سد سازی اولیه نسبت به ابعاد اجتماعی سدها بوده که در طی زمان و به تدریج، این مساله هر چند هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده، اهمیت و جایگاه بهتری پیدا کرده است. به همین سبب محققان بر این تأکید دارند که ابعاد اجتماعی و مساله اسکان مجدد و سیاستگذاری‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط به سدسازی می‌بایست از همان مرحله آغازین مطالعات اولیه طراحی سد مد نظر قرار گیرند.

عملاً بخشی از معیارهای ارزیابی موفقیت هر طرح عمرانی، نتایج مثبت و منفی آن بر زندگی مردم است، لذا نمی‌توان در یک طرح بزرگ سدسازی زندگی دهها هزار انسانی را که مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، نادیده گرفت و حتی نمی‌توان آن را کم اهمیت یا حاشیه‌ای تلقی کرد. با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان خطوط کلی رویکرد اجتماعی فرهنگی به طرح‌های عمرانی سدسازی برای کاهش مشکلات و اجرای بهتر و موثرتر سیاستگذاری‌های اسکان مجدد و دفع مسائل مردم تأثیرپذیر از سدسازی را اینگونه برشمرد.

۱. لزوم حضور متخصصات علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی و انسان‌شناس) و سایر متخصصات علوم رفتاری در طرح‌های توسعه‌ای عمرانی، از جمله سدسازی، از همان مراحل اولیه طراحی تا مراحل پایانی و حتی پس از اتمام پروژه جهت ارزیابی و رفع مشکلات.

۲. لزوم تفکیک نگاه مسئولین دولتی و اجرایی سدسازی با نگاه مردم تأثیرپذیر از سدسازی. این تفکیک در راستای فهم هر کدام از این دیدگاهها و تلاشها برای برقراری تعامل متقابل معقولانه‌تر میان آنها خواهد بود، تا هم مردم از نیات و توانایی‌ها و مشکلات مسئولین مطلع باشند و هم مسئولین از مشکلات و نیازهای مردم مطلع باشند. لازم است همیشه به حساسیت وجوداعتماد متقابل میان این دو نگاه آشنا باشیم. هر گونه بدقولی مسئولین یا احساس فریب خوردگی در مردم می‌تواند هزینه‌های اجتماعی سدسازی را به شدت افزایش دهد و مشکلات زیادی را ایجاد کند.

۳. لزوم تفکیک دقیق میان گروه‌ها و اجتماعات تأثیرپذیر: در طرح‌های سدسازی، می‌توان در کل دو گروه انسانی حوزه بالادست سد و پایین دست سد سازی را مطرح کرد. لازم است به یاد داشته باشیم که در هر کدام از این گروه‌ها تقسیم‌بندی‌های فرعی دقیقی (مثل شهری، روستایی) قابل تشخیص است که با توجه به زمینه و ویژگی‌های خاص منطقه می‌توان آنها را ایجاد کرد. به هر حال نمی‌توان تمام مردم را در یک طبقه کلی نسبت به پیامدهای سد سازی در نظر گرفت. ضرورت و لزوم این تفکیک‌ها بیشتر ناشی از این نکته است که هر گروه بسته به شرایط خود و نوع و میزان تأثیری که از سدسازی می‌پذیرد، نیازمند سیاستگذاری خاص در مساله جبران خسارت، جابجایی، مکانیسم‌های حمایتی و... است. به عبارت دیگر این تفکیک ضرورتاً مبین لزوم تعدد سیاستگذاری‌های اجتماعی در حوزه سدسازی است. که با توجه به تمایزات درونی مردم متأثر از سد سازی می‌توان آنها را به کاربرد. در غیر این صورت هر گونه سیاستگذاری نادرست یا نامتناسب منجر به افزایش هزینه انسانی و بیشتر شدن مشکلات ناشی از آن خواهد بود.

۴. مساله زمان بندی در بحث مواجهه با مردم تأثیر پذیر از سدسازی است. این نکته علیرغم سادگی، پیامدهای بسیار عمیق و مهمی در حوزه مدیریت اجتماعی سد سازی به همراه داشته است. زیرا اجرای به موقع سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، یکی از شروط اصلی موفقیت آنها خواهد بود. برخی از هزینه‌های انسانی سد، در میان اجرای سد و حین ساخت آن خود را مشخص می‌کند که معمولاً این هزینه‌ها بیشتر مورد نظر هستند، ولی از سوی دیگر برخی از هزینه‌ها بالاخص هزینه‌های ناشی از تغییرات ناشی از سدسازی در پایین دست و یا در مقاصد مهاجران، پس از اتمام سد آشکار می‌شوند که معمولاً هم نادیده گرفته شده‌اند. به همین دلیل لازم است نگاه به سدسازی و کاربرد و عملی کردن سیاستگذاری‌ها در بستر زمانی طولانی مدتی و متناسب با شرایط زمانی خاص انجام گیرد به عبارت دیگر همه کارها باید به موقع خود انجام گیرد، از جمله پرداخت خسارت‌ها، جابجایی‌ها و...

۵. تفکیک میان هزینه‌های آشکار و پنهان: اصولاً سدسازی به سبب بزرگی و عظمت ابعاد این گونه پروژه‌ها، صرفاً پیامدهای محدود و آشکاری ندارند، لذا لازم است با بررسی‌های دقیق، هزینه‌های پنهان این طرح‌ها در حوزه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با شروع سدسازی و ارزیابی‌های مستمر و دقیق مورد تحلیل قرار بگیرند. زیرا با مدیریت این هزینه‌های پنهان، می‌توان بخش اعظمی از هزینه‌های انسانی - اجتماعی طرح سدسازی را با سیاستگذاری‌های مناسب مدیریت کرد.

۶. تلاش برای مشارکت دادن هر چه بیشتر مردم. از آنجایی که سدسازی عملاً با زندگی مردم متأثر از آن سرو کار دارد لازم است بازمینه‌سازی فرهنگی - اجتماعی، زمینه مشارکت هر چه بیشتر مردم در این گونه طرح‌ها را فراهم کنیم. این مشارکت، با فهم هر چه دقیق‌تر مردم از سد سازی و ابعاد آن همراه خواهد بود. در این راستا می‌توان از کمک نهادهای مدنی (NGOها یا گروه‌های مرجع) استفاده کرد. در منطقه‌ای که سدسازی شروع می‌شود، لازم است با آگاهی دادن به نهادهای مدنی، زمینه مشارکت هر چه بیشتر آنها در حل مسائل مردم منطقه را فراهم کرد حتی در صورت امکان بخشی از کارها را به آنها سپرد.

۷. توجه خاص به معیشت و منبع تأمین معاش مردم. مطالعات نشان داده بیشترین عاملی که به مردم متأثر از سدسازی استرس و فشار وارد می‌کند، احساس عدم امنیت آنها نسبت به تأمین معاش خانواده‌شان می‌باشد. لازم است با شناسایی گروه‌بندی‌های لازم در مشاغل مردم، نسبت به حل این مساله تدابیر لازم اندیشیده شود. به هر حال کسانی که به عنوان مثال در روستا، زمین کشاورزی دارند، به راحتی خسارت اقتصادی آنها قابل ارزیابی و جبران خسارت شوند، در حالی که مهارت کافی برای گرفتن شغل در محیط‌های دیگر و شهرها را ندارند. به همین دلیل باید در حیطه افزایش مهارت‌های شغلی و توانمندسازی آنان، افزایش فرصت‌های شغلی و حمایت هر چه بیشتر از مشاغل آسیب‌پذیر در سد سازی سیاستگذاری‌های لازم اندیشیده شود. لذا باید فرصت‌های شغلی (کشاورزی، صنعتی، شهری، توریستی) هر چه بیشتر فراهم گردد.

۸. لزوم ارزیابی‌های مستمر در حین اجرای سدسازی و حتی پس از اتمام آن. از این طریق می‌توان هزینه‌های پیش‌بینی نشده و پنهان را که در طی زمان‌های مختلف بروز می‌کنند، شناسایی کرد و با سیاستگذاری دقیق برای مدیریت آنها اقدام کرد. این ارزیابی‌ها می‌تواند ما را در طراحی سدهای بعد و پیش‌بینی‌های دقیق در آنها نیز یاری کند.

۹. ایجاد ضمانت‌های حقوقی - اقتصادی برای حمایت از مردم متأثر از سدسازی:

لازم است جهت تسهیل روند اداری کارهای حمایت اجتماعی مردم متأثر از سد و تضمین روانی به آنها، تدابیر حقوقی لازم اندیشیده شود. برای مثال، در مواردی از سدهای جهان، درصد خاصی از منافع سدسازی جهت بهبود و ساماندهی زندگی مردم متأثر از سدسازی در نظر گرفته شود. همهٔ اینها حداقل تا زمانی خواهد بود که مردم به زندگی عادی خودشان برگردند.

۱۰. ثبت و در صورت امکان حفظ آثار فرهنگی منطقه‌های زیر آب رفته. این مساله از دید کلان و ملی در جهت حفظ و ثبت میراث فرهنگی است و در سطح فرد جهت باز تولید هویت اجتماعی و هویت فرهنگی مردم جابجا شونده بسیار مهم خواهد بود. بحران هویت بالاخص برای روستائینی که زندگی و دنیای‌شان مبتنی است بر مختصات جهان روستای‌شان، می‌تواند فشارهای روحی بسیاری را بر آنها وارد کند. به همین دلیل در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی و تلاش برای حل مسائل فرهنگی می‌تواند مانع از فشارهای فرهنگی و کاهش دشواریهای مردم در مشارکت در سیاستگذاری‌های جابجایی شود. در سدکارون ۳ بر اساس پیشنهاد تیم تحقیقاتی جهاددانشگاهی، با توجه به اعتقاد قابل توجه مردم منطقه به امامزاده شه پیر(شاهپور) و کارکرد فرهنگی و هویتی آن، امامزاده جابجا شد.

۱۱. لزوم تدوین طرح توسعه اجتماعی - فرهنگی ذیل طرح سدسازی:

انجام پروژه سدسازی، اجباراً زندگی عده زیادی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. پس لازم است این تغییر اجباری را به واسطه مدیریت آن در راستای توسعه اجتماعی - فرهنگی هدایت کنیم. به همین سبب نیز عده‌ای، از سدسازی و مسأله اسکان یابی مجدد، به عنوان فرصتی برای توسعه فرهنگی - اجتماعی یاد کرده‌اند. لذا لازم است طرحی برای توسعه اجتماعی در کنار و به عنوان یک بخش اصلی و ضروری در طرح‌های سدسازی گنجانده شود.

همه این نکته‌ها به عنوان خطوط اصلی نگاه اجتماعی - فرهنگی به طرح‌های توسعه‌ای عمرانی از جمله سدسازی زمانی محقق خواهد شد که نگاه متخصصان فنی و مهندسی به توسعه در کنار و همراه با نگاه متخصصان علوم اجتماعی به توسعه باشد، تا بتوان رویکردی جامع‌تر و انسانی‌تر به امر عمرانی (سدسازی) داشت و باید دقت کرد این طرح‌ها لازم است دائماً مورد ارزیابی انتقادی پیوسته از منظر متخصصان مختلف قرار بگیرند تا بتوان انجام این طرح‌های بزرگ را با سیاست‌گذاری‌های متناسب‌تر و بهتر انجام داد.

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی، با همکاری غلامرضا غفاری (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، انتشارات کلمه.
- حیدری، کاوس و حسین میرزائی (۱۳۸۷) "مطالعات اجتماعی، اقتصادی و بررسی اسکان مجدد سد کارون ۴"، گزارش طرح پژوهشی، جهاددانشگاهی دانشگاه تهران
- دوپوئی، گزایوه (۱۳۷۴) *فرهنگ و توسعه*، ترجمه: فاطمه فراهانی، عبدالحمید زرین قلم، تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، *توسعه و تضاد*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در مشارکت سازمان‌یافته روستاییان»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- کمیسیون جهانی سدها (۱۳۸۶)، *سدها و توسعه*، چارچوب جدید برای تصمیم‌گیری، ترجمه دکتر محمد سعیدکدیور، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- میکسل (۱۳۷۹)، *توسعه پایدار*، ترجمه: رکن‌الدین افتخاری، تهران: مرکز مطالعات روستایی.
- هاشمی، سید ضیاء و کاوس حیدری (۱۳۸۲) "مطالعات اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سد کارون ۳"، گزارش طرح پژوهشی، جهاددانشگاهی دانشگاه تهران
- هاشمی، سید ضیاء و کاوس حیدری (۱۳۸۶) "مطالعات اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سدگتوند علیا"، گزارش طرح پژوهشی، جهاددانشگاهی دانشگاه تهران
- یونسکو (۱۳۷۶) *فرهنگ و توسعه: رهیافت مردم‌شناختی توسعه*، ترجمه: نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- یونسکو (۱۳۷۸) *بعد فرهنگی توسعه*، ترجمه: صلاح‌الدین محلاتی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- Gismondi, Michael (1997) *Sociology and Environmental impact Assessment*, Canadian Journal of Sociology vol 22, No 4
- Heming, li; Waley. Paul; Rees. Phil (2001) *Reservoir Resettlement in china: past Experience and the Three Gorges Dam*, the Geographical Journal. Vol 167. No 3.
- Joshi ,B.L.(1982) *Displacement and Rehabilitation: Study of a Dam Affected Rural Community*, India, Aurangabad : Parimal Pradashan .
- Mair, Luci (1984) *Anthropology and Development*, London: MCMILLAN .
- Pitt, David (ed.) (1976) *Development from below*, Paris: Mouton
- Tucker, Vincent (1997) *Cultural Perspectives on Development*, London: frank Cass.
- Vago, Steven (1989), *Social change*, Prentice Hall, New York.

- WCD case Study (2000) Experience with Dams in Water and Energy Resource Development in the people's republic of china, prepared for the world commission on Dams.
- WCD case Study (2000) Tarbela Dam. Pakistan, Prepared for the world Commission on dam (WCD).
- zaman , M.Q. (1996) Development and Displacement in Bangladesh: Toward a Resttlemment Policy, asian Survey, vol 36, No 7.